



انزجار از منکر باید در چهره مردم دیده شود/ امر به معروف بسیاری مشکلات را حل می‌کند

امر به معروف و نهی از منکر بر همه ما واجب است اگر کسی معروفی را ترک کرد یا منکری را مبتلا شد گناه کرد و اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر را هم ترک کرد او هم گناه کرد.

امر به معروف و نهی از منکر بر همه ما واجب است اگر کسی معروفی را ترک کرد یا منکری را مبتلا شد گناه کرد و اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر را هم ترک کرد او هم گناه کرد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله العظمی جوادى آملی در درس اخلاق هفتگی خود که با حضور جمع کثیری از برادران و خواهران حوزوی و دانشگاهی برگزار شد، اظهار کردند: مستحضری که امر به معروف و نهی از منکر بر همه ما واجب است، اگر کسی معروفی را ترک کرد یا منکری را مبتلا شد گناه کرد و اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر را هم ترک کرد او هم گناه کرد. اگر آن شخص مبتلا به معصیت گرفتار کیفر می‌شود جامعه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند هم مبتلا به کیفرند. ساده‌ترین درجه امر به معروف و نهی از منکر بسیاری از مشکلات را حل می‌کند امر به معروف و نهی از منکر چهار بخش دارد دو بخش‌اش وظایف عمومی ماست دو بخش‌اش مربوط به حکومت و نظام اسلامی است. آن بخشی که مربوط به همه ماست آن انزجار قلبی به طوری که نشان آن انزجار و تنفر در رفتار و چهره ما مشهود باشد بخش دوم هم دستور اطاعت از خداست.

ایشان در ادامه افزود: امر به معروف غیر از مسئله تعلیم، ارشاد، تهذیب، موعظه و مانند آن است از همه اینها جداست اگر بخواهیم احکام را یاد بدهیم این جزء تعلیم واجبات است نه امر به معروف موعظه کنیم، ارشاد کنیم، نصیحت کنیم اینها بابش جداست امر به معروف امر، امر یعنی فرمان و آن کسی که این فرمان را اطاعت نمی‌کند دو گناه کرده یکی اینکه عفافش را رعایت نکرده مثلاً یکی اینکه فرمان آمر به معروف را امتثال نکرده اگر پدری به پسر امر بکند که حتماً نماز را بخوان و این پسر نماز نخواند دو معصیت کرده یکی اینکه فرمان پدر را اطاعت نکرده چون امر کرد، یکی دستور خدا را. مسئله امر به معروف غیر از موعظه و نصیحت و ارشاد و تعلیم است آنها همه مبادی کار است اگر کسی مسئله‌ای را نمی‌داند تعلیم جاهل، امر به معروف نیست مسئله‌ای را می‌داند ولی یادش رفته تذکره و تنبیه ساهی و ناسی، امر به معروف نیست اضطراری در کار است از باب حلّ اضطرار کسی بخواهد با او مذاکره کند از راه امر به معروف نیست. امر به معروف این است که شخصی عالماً عامداً بدون هیچ عذری دارد گناه می‌کند و شخص آمر هم او را فرمان می‌دهد که باید این کار را بکنی جلوی گناه را بگیری و اگر نکرد دو معصیت کرد بنابراین اینکه می‌بینید در کتاب‌های فقهی امر به معروف را در پایان مسئله جهاد می‌نویسند و ادله او جداگانه است غیر از مسئله تعلیم جاهل است.

آیت‌الله العظمی جوادى آملی اظهار کردند: آن دو مرحله‌ای که بر حکومت اسلامی است یکی مسئله جلوگیری ولو به ضرب و یکی هم مسئله جلوگیری ولو بالقتل آن دو مرحله به عهده حکومت است، اما این دو مرحله به عهده همه ماست. اگر کسی گرفتار خلافتی می‌شود در کوی و برزن همه با یک چهره نفرت‌آوری او را نگاه کنند همین! لازم نیست به او فرمان بدهند همین که عبوسانه او را ببینند او کنار می‌کشد این حدّ اقلّی است که بر همه ما واجب است اگر ما هم سرمان را خم کردیم و رد شدیم خب ما هم معصیت کردیم او هم معصیت کرده است غرض آن است که امر به معروف اگر وظیفه عمومی است و انسان عبوسانه و متنفرانه کسی را نگاه بکند این زن یا این مرد تبهکار از آغاز تا انجام خیابان که می‌گذرد شرمند می‌شود می‌بیند در این جامعه نمی‌تواند گناه کند بنابراین این حداقل است و اگر جامعه ما این حداقل را انجام بدهد مشکل حل است این اولین مرتبه امر به معروف است که بر همه ما واجب است.

مرجع تقلید شیعیان جهان تاکید فرمود: انسان همان طوری که به سطل زباله با یک نگاه متنفرانه می‌نگرد با گناه هم همین طور باید نگاه کند این بر همه ما واجب است آن وقت چنین جامعه‌ای معطر می‌شود. وجود مبارک سیدالشهداء روی زمین آرمیده است طهارتی نصیب کلّ زمین شد به برکت سیدالشهداء اما نتیجه آن جریان کربلا این بود که ما در دفاع مقدس هشت ساله بهترین عزیزانمان به ابی‌عبدالله لبیک گفتند و به خون آرمیدند این زیارت وارث برای ما مدرسه است اینکه به ما گفتند مرتب بخوانید همین است در بخشی از این زیارت‌های شهدا عرض می‌کنیم «طیتم و طابت الأرض التی فیها دفنتم» شما ایران را طیب و طاهر کردید شما این سرزمین را پاک کردید خب باورمان این است دینمان این است عقیده‌مان این است آن وقت چگونه حاضریم این سطل‌های زباله در سرزمین پاک باشد.

وی تصریح کردند: پارک جای طیب و طاهر کنار چشمه‌های کوثری جا برای این آلودگی نیست «طیتم و طابت الأرض التی فیها دفنتم» آن‌گاه این صغرای مسئله که حل شد در خدمت کبرای مسئله که قرآن کریم است مشخص می‌کند که «والبلد الطیب یخرج نباته باذنه» سرزمین طیب که میوه او به اذن خدا می‌روید همان میوه طهارت است میوه علم است میوه قداست است میوه استقلال است میوه آزادی است میوه جمهوری اسلامی است همین تحقق شعارهاست اگر خداست حرفش این است که میوه را کشورهای طیب می‌دهد اگر ست است حرفشان این است که سرزمین شهدا طیب است ما هم صغرا را داریم هم کبرا را داریم، هم مقدمه اولی را داریم هم مقدمه دوم را داریم چرا نتیجه نمی‌گیریم؟! بنابراین اگر همه ما در همین ایام امر به معروف و نهی از منکر به حدّ اقلّ وظیفه‌مان عمل بکنیم جامعه ما معطر خواهد شد.

علامه جوادی آملی ادامه داد: این چنین نیست که اگر کسی گناه کرد بر اساس حجاب و امثال حجاب یا رشوه و ارتشا ما می‌دانیم که فلان شخص اهل رشوه است در مجالس با او برخورد متنفرانه داشته باشیم این بر ما واجب، واجب یعنی واجب است در سلام و علیک‌ها این چنین عیوسانه، متنفرانه، غضبان او را نگاه کنیم اگر کسی اهل رشوه بود اهل تخلف بود وقتی می‌بیند در هر کوی و برزنی در هر جامعه‌ای در هر حسینی و مسجدی او را با چشم نفرت می‌بینند او خودش را اصلاح می‌کند. امر به معروف این نیست که حالا حتماً انسان با زبان بگوید اگر کسی مقدورش نبود یا محافظه‌کار بود این مقدار که از ما برمی‌آید بنابراین بر همه واجب است که راهی راه سالار شهیدان باشیم و از ذات اقدس الهی هم مسئلت می‌کنیم که خونهای حسین بن علی را ما بگیریم «وجعلنا و إياکم من الطالبین لثاره».

ایشان همچنین با اشاره به بخش هایی از شرح کوتاه نهج البلاغه افزودند: وجود مبارک حضرت امیر(سلام الله علیه) در نامه سی و یکم که برای فرزندشان مرقوم فرمودند فرمود قلب جوان مثل سرزمین آماده کشت است هر بذری در زمینهای موات شما بعد از شیار بپاشید این می‌رویانند چه میوه تلخ چه میوه شیرین. عزیزانی که در آموزش و پرورش هستند خیلی این جوانها و نوجوانها را مواظب باشند اگر بذری، فکر باطلی، خیال عاطلی در صفحه دل اینها پاشیده شد بیرون کردنش بسیار سخت است هر چه می‌روید علف تلخ و هرز می‌روید به پسرش فرمود قبل از اینکه دیگران در اینجا کشت و زرع کنند بذری بپاشند من مطالب دینی را در اینجا بذرافشانی می‌کنم تا میوه خوب بدهد. اصل کلی هم این بود که در بحثهای قبل به عرضتان رسید از وجود مبارک رسول گرامی(علیه و علی آله آلاف التحية و الثناء) رسیده است «مَنْ أَحْيَى أَرْضًا مَيِّتَةً فَهِيَ لَهُ» حالا خواه از راه اینترنت و ماهواره و روزنامه و مجلات و عکسهای بدآموز خواه از راه گفتگوهای دیگر اگر در قلب نوجوان یا جوان حنظلی پاشیده شد آن حنظل پاش این زمینه را مالک می‌شود «مَنْ أَحْيَى أَرْضًا مَيِّتَةً فَهِيَ لَهُ» هر که زمین مرده را زنده کند با بذرافشانی مالک می‌شود هر کس زمینه مرده را هم با فکر باطل احیا کند مالک می‌شود آن وقت این زمینه در اختیار آن بذرافشان باطل است وجود مبارک حضرت امیر به امام حسن(سلام الله علیهما) اگر این نامه مربوط به امام مجتبی باشد فرمود قبل از اینکه دیگران در اینجا بذرافشانی کنند من بذرافشانی می‌کنم من مطالبی را با تو در میان می‌گذارم درباره گذشته و آینده من نسبت به گذشته‌ها آن قدر آگاهم که گویا با همه اینها بودم این را بر اساس تجربه تاریخی نمی‌گویند این را بر اساس علم غیب می‌فرماید که من از گذشته باخبرم از آینده هم باخبرم.

مفسر بزرگ قرآن کریم تصریح کرد: فرمود اولین وصیتی که من می‌کنم تقواست این تقوا یعنی وقایه گرفتن می‌دانید این تاء جزء کلمه نیست اصلش وقی است وقایه داشتن، سپر داشتن، خود را در دژ نگهداری کردن و مانند آن است. اینکه به ما گفتند هر کاری که می‌کنید اول بگویید «بسم الله الرحمن الرحيم» یعنی کار باید به نام خدا باشد این یک قرنطینه است کاری که به نام خداست یا واجب است یا مستحب دیگر کار حرام یا مکروه را که نمی‌شود به نام خدا شروع کرد که فرمود هر کاری که می‌کنید باید رویتان بشود که بگویید خدایا به نام تو. اینجا فرمود اولین چیزی که من به شما سفارش می‌کنم تقوای من است که «وَأَعْلَمُ يَا بُنَيَّ أَنْ أَحَبَّ مَا أَتَى أَخَذَ بِهِ إِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللَّهِ وَالْإِقْتِصَارُ عَلَى مَا فَرَضَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ» برخیا وارد مطالبی می‌شوند که نه مقدور آنهاست نه مورد تکلیف آنها در نوبتهای قبل اشاره شد که اگر خدای سبحان به ما فرمود درباره بندگان مؤمن فرمود: فَيَشْرِعُ عِمَادٌ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ این برای همه بندگان نیست آن که به مقام اجتهاد رسیده است یعنی مکتبهای گوناگون را دیده مکتب حق را هم که قرآن و عترت است پذیرفته بعد قدرت دآوری دارد آن که قدرت دآوری دارد مجاز است که مکتبهای گوناگون را ببیند و احسنش را بپذیرد آن کسی که اولین مکتب را همین که دید باور می‌کند این مجاز نیست که همه چیز را یکجا بخواند یا در عرض هم بخواند یا قبل از اجتهاد بخواند اول ببیند گفته خدا و اهل بیت(علیهم السلام) چیست بعد از اینکه مایه علمی پیدا کرده است آن گاه مکتبهای دیگر را می‌بیند و ارزیابی می‌کند.

مفسر قرآن کریم فرمودند: استاد ما مرحوم آیت الله محقق داماد(رضوان الله علیه) از بعضی از علما نقل می‌کرد که آنها منصفانه درباره خودشان دآوری می‌کردند آن دانشمند می‌گفت من مجتهد نیستم مدرّس هستم می‌توانم مثلاً رسائل تدریس کنم، کفایه تدریس کنم، مکاسب تدریس کنم ولی مجتهد نیستم برای اینکه من وقتی فرمایش شیخ انصاری را در رسائل می‌بینم، می‌بینم مطلبی است حق بعد وقتی مراجعه می‌کنم به فرمایش مرحوم آخوند خراسانی که آخوند خراسانی بر شیخ انصاری(رضوان الله علیهما) اشکال می‌کند می‌بینم این اشکال هم وارد است این هم مطلب حق، بعد که برمی‌گردم به فرمایشات مرحوم آقا شیخ عبدالکریم که شاگرد آخوند خراسانی است می‌بینم آقا شیخ عبدالکریم اشکال می‌کند بر آخوند خراسانی این هم حق است خب من که نمی‌توانم در این اضلاع مثلث دآوری خوب بکنم معلوم است مجتهد نیستم دیگر، آدم بفهمد که صاحب نظر شد یا نشد هم کار آسانی نیست آن آیه که دارد فَيَشْرِعُ عِمَادٌ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ برای کسی است که مکتب شناس است و در بررسی و دآوری بین مکتبها مجتهد است وگرنه انسان طبق بیان نورانی امام جواد(سلام الله علیه) از ائمه دیگر هم رسیده است ولی این روایت فعلاً از وجود مبارک امام جواد نقل می‌شود فرمود: «مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَ» هر کس گوش بدهد به حرف گوینده‌ای دارد او را عبادت می‌کند یک وقت است گوش می‌دهد تا بعداً بررسی کند این به منزله سمع است این هنوز در گوشه ذهن بایگانی می‌کند نه بپذیرد، اما اگر کسی گوش فرادهد مثل اینکه درباره قرآن آمده است وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا در برابر قرآن فقط گوش باشید اگر کسی حرف دیگری را این طور گوش می‌دهد و متأثر می‌شود «مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَ» فَإِنَّ كَانِ النَّاطِقُ يَنْطِقُ عَنِ اللَّهِ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَ إِنْ كَانِ النَّاطِقُ يَنْطِقُ عَنْ ابْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ ابْلِيسَ» این بیان نورانی امام جواد(سلام الله علیه) است که از ائمه دیگر(علیهم السلام) هم رسیده است. بنابراین جوانها و نوجوانها، عزیزان دانش آموز اگر بخواهند چیزی را نگاه کنند ماهواره‌ای را نگاه کنند، اینترنتی، روزنامه‌ای، مجله‌ای بعد از اینکه صاحب نظر شدند مجازند (یک) بعد از اینکه قدرت تحقیق و تشخیص داشتند رواست و قبل از آن بپرسند که ما این نعمت گوش را به چه کسی بدهیم

این نعمت چشم را به چه کسی بدهیم این چنین نیست که انسان با مردن بیوسد انسان با مردن از پوست به در می آید و به جهان ابد سفر می کند و همه مسموعات و مبصرات ما دامنگیر ما خواهد شد. بنابراین بهترین راه همین است که در اوایل امر تابع قرآن و عترت باشیم بعد وقتی در رشته های گوناگون قدرت اظهار نظر پیدا کردیم آنها را نگاه کنیم.

آیت الله جوادی آملی تصریح کردند: وجود مبارک حضرت امیر (سلام الله علیه) به وجود مبارک امام مجتبی (سلام الله علیه) فرمود تو اول در نوجوانی ببین بر تو چه چیزی واجب است حرفهای گوناگون، مکتبهای گوناگون، آرای گوناگون آن برای کسی که قدرت دآوری داشته باشد «وَ الْأَخْذُ بِمَا مَضَى عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ مِنْ آبَائِكَ وَالصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ» تو هم از یک دودمان طه و یاسینی بالآخره، انبیایی از همین خاندان بودند اولیایی از همین خاندان بودند مبدا کاری بکنی تجربه تلخ روزگارت را سیاه بکند بعد برگردی این کار را مبدا بکنی «فَإِنَّهُمْ لَمْ يَدْعُوا أَنْ تَنْظُرُوا لِأَنْفُسِهِمْ كَمَا أَنْتَ تَنْظُرُ» گذشتگان از این دودمان هم به این فکر بودند که در صلاح و اصلاح خود قدم بردارند «وَ فَكَّرُوا كَمَا أَنْتَ مُفَكِّرٌ ثُمَّ رَدَّوْهُمُ آخِرُ ذَلِكَ إِلَى الْأَخْذِ بِمَا عَزَفُوا وَ الْإِمْسَاكِ عَمَّا لَمْ يُكَلِّفُوا» اینها هم خیلی فکر کردند که چه کار بکنند به این نتیجه رسیدند آن مقداری که بر ما لازم است آفریدگار ما از ما طلب دارد آن را انجام بدهیم.

ایشان با اشاره به بیان نورانی حضرت امیر در نهج البلاغه دارد گفت: حضرت فرمود: ما که علف هرز نیستیم که بدون زارع و کشاورز روئیده باشیم که «أَنْتُمْ كَالْتَّبَاتِ مَا لَهُمْ زَارِعٌ» مگر نظیر این تلّ از شن هستیم که با طوفانهای بادی به صورت یک تپّه ماهوری در می آیند نه این هستیم نه آن، ما یک بنای مستحکمیم و بانی داریم و ناظمی داریم، خالق داریم «فَإِنْ أَبَتْ تَقْسُكَ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ دُونَ أَنْ تَعْلَمَ كَمَا عَلِمُوا فَلْيَكُنْ طَلَبُكَ ذَلِكَ بِتَقَهُمْ وَ تَعْلَمُ» اگر واقعاً خودت خواستی بیازمایی و تجربه کنی طوری نباشد که زودباور باشی محدوده تصورات را مشخص کن محدوده تصدیق را مشخص کن قرآن کریم ما را در تصوّر آزاد گذاشته ولی در تصدیق دو سیم خاردار آورده جلوی ما را بسته در یک آیه فرمود بخواهی به سمت راست بروی تصدیق کنی بگویی آری باید برهان دستت باشد بخواهی به سمت دیگر بروی تکذیب کنی نفی کنی باید برهان دستت باشد در محدوده تصدیق و باور و جزم و عزم باید برهان دستت باشد لا تقفُ ما لیسَ لکَ به عِلْمٌ از یک سو، بَلْ کَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ

علامه جوادی آملی تصریح کرد: از سوی دیگر، این از غرر روایات امام صادق (سلام الله علیه) است مرحوم کلینی این حدیث را در همان جلد اول اصول کافی نقل کرده که این هم بارها به عرضتان رسید فرمود اگر بخواهی چیزی را بپذیری باید برهان دستت باشد بخواهی چیزی را نپذیری باید دلیل دستت باشد قبول و نکول باید در مدار برهان باشد قرآن هر دو را گفته فرمود آنها که بدون برهان، نکول و رد دارند اهل دوزخ اند بَلْ کَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ شما که به چیزی سرت را بلند کردی گفتی نه! دلیل نداشتی که بگویی نه، چون دلیل نداشتی مستقیماً دوزخ می فرستند بخواهی سرت را خم کنی بگویی آری! لا تقفُ ما لیسَ لکَ به عِلْمٌ اگر سر خم کنی رأی مثبت بدهی باید برهان دستت باشد سر بالا کنی اهل نکول باشی نفی کنی باید برهان دستت باشد هر دو یعنی هر دو را در دو بخش قرآن کریم خدای سبحان مرزبندی کرده فرمود آری با برهان، نه با برهان ولی تصوّر آزاد است شما فقط فهمیدی اما نه نفی کردی نه اثبات وجود مبارک حضرت امیر در این بخش فرمود اگر می خواهی وارد صحنه بشوی و خودت داور این معارف باشی و بیازمایی و تجربه کنی «فَلْيَكُنْ طَلَبُكَ ذَلِكَ بِتَقَهُمْ وَ تَعْلَمُ لَا يَنْوَرُطُ الشُّبُهَاتِ وَ عُلُقُ الْخُصُومَاتِ».

این مفسر قرآن تاکید کرد: وجود مبارک حضرت امیر به پسرش فرمود پسر! وقتی وارد جامعه شدی باید نور باشی وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ بعضی می بینید وقتی که از منزل تا مسجد می آیند نورند هر که اینها را می بیند بالآخره به یاد خدا می افتد در هر شهری در هر منطقه ای این گونه از افراد هستند. از وجود مبارک مسیح (سلام الله علیه) سؤال کردند با چه کسی رفت و آمد داشته باشیم؟ فرمود: «مَنْ يَذْكُرْكُمْ اللَّهُ رُؤْيَاهُ» سهروردی نه شیخ اشراق آن سهروردی دیگر صاحب عوارف آن بزرگوار فرمود: «مَنْ لَا يَنْفَعُ لِحِظَةٍ لَا يَنْفَعُ لِفُظَةٍ» آن عالمی که دیدنش در تو اثر نمی کند حرفش هم مؤثر نیست کسی را شما می بینید، می بینی این دیدن تکان نداد شما را، این هر چه هم بگوید در شما اثر نمی کند «مَنْ لَا يَنْفَعُ لِحِظَةٍ لَا يَنْفَعُ لِفُظَةٍ»

علامه جوادی آملی افزود: ما یک نورانیتی در دل به عنوان امانت الهی داریم همه ما موظفیم این طور باشیم و شدنی است اینکه وعده قرآن است که فرمود: وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وجود مبارک حضرت امیر به نوجوانش فرمود این طور باش این شدنی است. فرمود: «وَ تَرَكِ كُلَّ شَائِيَةٍ أَوْلَجْتَكَ فِي شُبْهَةٍ أَوْ أَسْلَمْتَكَ إِلَى ضَلَالَةٍ» یا سرگردانت می کند یا از راه پرتت می کند بالآخره بیراهه می روی «فَإِنْ أُيْقِنْتَ أَنْ قَدْ صَقَا قَلْبُكَ فَخَشَعَ وَ تَمَّ رَأْيُكَ فَاجْتَمَعَ وَ كَانَ هَمْكٌ فِي ذَلِكَ هَمًّا وَاحِدًا فَانْظُرْ فِيمَا فَسَّرْتَ لَكَ» مهم ترین، اولین و ضروری ترین شرط طلبه و دانشجو، طهارت روح است فرمود وقتی قلبت صافی شد تو می خواهی چیزی پیدا کنی که به مردم منتقل کنی به مردم راه نشان بدهی اگر قلبت خاشع شد، اگر قلبت مصفا شد، اگر این زبانه ها را طرد کردی، اگر دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند.

ایشان در پایان تصریح کردند: اگر همه اینها را رعایت کردی آن وقت گوش بده ببین من چه می گویم! این را به حسن بن علی می گوید گرچه برخیا گفتند این نامه برای ابن حنفیه است ولی بالآخره فرزند امیر المؤمنین (سلام الله علیه) است فرمود: «فَإِنْ أُيْقِنْتَ أَنْ قَدْ صَقَا قَلْبُكَ فَخَشَعَ وَ تَمَّ رَأْيُكَ فَاجْتَمَعَ وَ كَانَ هَمْكٌ فِي ذَلِكَ هَمًّا وَاحِدًا» یک راه داری، یک مقصد داری به طرف خدا داری می روی دین او را بفهمی (یک) باور کنی (دو) عمل کنی (سه) منتشر کنی (چهار) این قصدت است برنامه ات هست گوش بده ببین من چه می گویم «فَانْظُرْ فِيمَا فَسَّرْتَ لَكَ وَ إِنْ لَمْ يَجْتَمِعْ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْ تَقْسِكَ وَ فَرَاغَ نَظْرِكَ وَ فِكْرَكَ فَاعْلَمْ أَنَّكَ إِتْمَا تَحِيطُ الْعَشَوَاءَ وَ تَتَوَرَّطُ الظُّلُمَاءَ» اگر - معاذ الله - این شرایطی که من گفتم در تو نیست مثل آن شتر کوری که بالآخره یک قدم نه، یک قدم می افتد «عشواء» یعنی کسی که جلوی خودش را نمی بیند شب کور است یا روز کور است بالآخره «وَ لَيْسَ طَالِبُ الدِّينِ مَنْ حَبَطَ أَوْ حَلَطَ وَ الْإِمْسَاكُ عَنْ ذَلِكَ أَمْتَلُ» آن کسی که دین پژوه است با خودخواهی جمع نمی شود با غرور و

دنیا طلبی جمع نمی‌شود طهارت روح می‌خواهد دین یک امر طیب و طاهری است یک تنگ بلورین ظریف شفاف می‌خواهد تا این کوثر در آن بریزند و اگر خدای ناکرده این ظرف آلوده بود ولو شما آب کوثر هم بریزی این مظروف آلوده خواهد شد.